



A Comprehensive Model for Jurisprudential Subject Studies in Novel Issues¹

Mohammad Ali Khademi Kousha¹ 

Askar Derakhshan Doust² 

1. Assistant Professor, Department of Sciences Related to Jurisprudence, Research Center for Jurisprudence and Law, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran (Corresponding Author).

kademi@isca.ac.ir

2. Level Four of Seminary and Researcher, Center for Computer Game Knowledge, Qom, Iran.

askarderakhshan@gmail.com



Abstract

The common model in jurisprudential subject studies is one-dimensional, using the method of describing and analyzing the inherent elements of the subject to discover the corresponding jurisprudential title. While this method is acceptable for identifying cases of specific jurisprudential titles, it is undeniable that the influence of other factors, such as the effects and consequences of the subject, is significant when dealing with new complex issues. As a result, limiting the analysis to the inherent elements of the subject leads to deficiencies in the subject studies process. Therefore, it is necessary to strive for a model that can present all dimensions affecting the application of jurisprudential titles to subjects, allowing for the discovery of the full range of jurisprudential issues and rulings related to

* This article has been taken from the topics of Kharij Fiqh course of the corresponding author in 2020, which was prepared by the effort of the second author.

1. **Cite this article:** Khademi Kousha, M. A., & Derakhshan Doust, A. (2024). A Comprehensive Model for Jurisprudential Subject Studies in Novel Issue. *Journal of Fiqh*, 31(117), pp. 167-198. <https://doi.org/10.22081/jf.2024.67431.2711>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:**24/07/2023 • **Revised:**03/04/2024 • **Accepted:**12/05/2024 • **Published online:**21/07/2024

© The Authors



the subject by considering all relevant aspects. The importance of the present research lies in its dependence on the mentioned model for jurisprudential inference in novel issues, highlighting the need to determine the duties of the nation and the government in dealing with new issues. The aim of the research is to empower jurisprudence in solving new issues, to pave the way for a comprehensive design of the system of issues, and to prevent weaknesses and deviations in deriving rulings for novel issues. This research is conducted using an analytical-descriptive method, utilizing transmitted and religious sources and the jurisprudential method of ijtihad. Its novelty lies in providing a comprehensive model for jurisprudential subject studies and a model for designing the system of issues for novel subjects. The result explains the limitation of the influential dimensions in jurisprudential rulings to three aspects: the inherent nature of the subject, the objectives of the actor, and the effects and consequences of the subject. Consequently, to determine the jurisprudential ruling on new subjects, the correspondence of relevant jurisprudential titles to all three aspects of the new subject must be examined, and the jurisprudential ruling for the new subject should be inferred based on the results.

Keywords

Model of Subject studies, jurisprudential subject studies, the effects of the subject, novel subjects, the process of subject studies.

الگوی جامع موضوع‌شناسی فقهی در مسائل مستحدّته^۱

ID محمدعلی خادمی‌کوشا^۱
ID عسکر درخشان‌دوست^۲

۱. استادیار، گروه دانش‌های وابسته به فقه پژوهشکده فقه و حقوق، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

kademi@isca.ac.ir

۲. سطح ۴ حوزه و پژوهشگر مرکز دانش بازی‌های رایانه‌ای، قم، ایران.

askarderakhshan@gmail.com



چکیده

الگوی رایج در موضوع‌شناسی فقهی به صورت تک‌وجهی و با روش توصیف و تحلیل عناصر ذات موضوع برای کشف عنوان فقهی منطبق بر آن است. گرچه این روش در شناخت مصادیق عنوان‌های فقهی مشخص پذیرفتنی است، در مواجهه با موضوعات جدید مرکب، تأثیر امور دیگری مثل آثار و لوازم موضوع در صدق عنوان‌های فقهی بر آنها انکارناپذیر است. در نتیجه بسنده کردن به بررسی ذات موضوع، موجب نقصان در فرایند موضوع‌شناسی است؛ براین اساس تحقیقی لازم است تا در پی الگویی باشد که بتواند همه ابعاد مؤثر در انطباق عنوان‌های فقهی بر موضوعات را ارائه دهد تا بتوان با رعایت آن، مجموعه مسائل و احکام فقهی موضوع را با توجه به همه جوانب دخیل در حکم آن کشف کرد تا زمینه‌ای برای طراحی نظام مسائل فراهم گردد. اهمیت تحقیق حاضر به جهت وابسته بودن استنباط فقهی در موضوعات مستحدّته به تبیین الگوی یادشده است که با توجه به لزوم تعیین وظیفه ملت و حکومت در مواجهه با موضوعات نوپدید ضرورت آن روشن است. هدف تحقیق، توانمندسازی فقه در حل

* این مقاله برگرفته از مباحث درس خارج فقه نویسندهٔ مسئول در سال ۱۳۹۹ است که به‌اهتمام نویسنده دوم تنظیم شده است.

۱. **استناد به این مقاله:** خادمی‌کوشا، محمدعلی و درخشان‌دوست، عسکر. (۱۴۰۳). الگوی جامع موضوع‌شناسی فقهی در مسائل مستحدّته. فقه، ۳۱(۱۱۷)، صص ۱۶۷-۱۹۸. <https://doi.org/10.22081/jf.2024.67038.2682>

* نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان
 تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱



مسائل جدید و زمینه‌سازی برای طراحی جامع نظام مسائل موضوعات و جلوگیری از ضعف و انحراف در استنباط حکم مسائل مستحدثه است. تحقیق حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از منابع نقلی و تعبدی و روش اجتهادی فقهی سامان گرفته است و نوآوری آن ارائه الگویی جامع در موضوع‌شناسی فقهی و الگویی برای طراحی نظام مسائل موضوعات مستحدثه است. نتیجه آن تبیین انحصار ابعاد تأثیرگذار در حکم فقهی در سه جهت است: ذات موضوع، اهداف فاعل، آثار و ملازمات موضوع. در نتیجه برای تعیین حکم فقهی موضوع‌های جدید باید انطباق عنوان‌های فقهی مربوط به همه جهات سه‌گانه بر موضوع جدید بررسی شود و به اقتضای نتیجه آن، حکم فقهی موضوع جدید استنباط گردد.

کلیدواژه‌ها

الگوی موضوع‌شناسی، موضوع‌شناسی فقهی، آثار موضوع، موضوعات مستحدثه، فرآیند موضوع‌شناسی.

مقدمه

مسائل جدید فقهی (مسائل مستحدثه) مسائلی است که پیش تر در منابع فقهی به روشنی مطرح نشده است. این مسائل در یک تقسیم کلی دو گونه‌اند:

۱. گاهی موضوع این مسائل پیش تر وجود نداشته است؛ مثل کارت‌های اعتباری. غالباً مسائل جدید فقهی از این دسته‌اند و درباره موضوعات نوپیدایی شکل می‌گیرند که به روشنی مصداق عنوان‌های موجود در منابع فقهی نیستند؛ برای مثال عنوان قرارداد اختیار معامله^۱ یا بیع زمانی^۲ از عنوان‌های معاملات امروزی‌اند که در میان عنوان‌های معاملات موجود در عصر صدور روایات و در منابع فقهی وجود ندارند و امروزه توجیه حکم فقهی آنها از مسائل جدید فقهی است.

۲. گاهی موضوع حکم فقهی از نوع موضوعات نوپدید نیست؛ اما فعل مکلف در ارتباط با آن جدید است؛ مثل استفاده‌های غیرخوراکی از نجاست‌هایی مانند خون که امروزه دارای منافع عقلایی فراوان است.

پاسخگویی فقهی در مسائل مستحدثه به‌ویژه در مورد نوع اول که فقیه با موضوعات جدیدی مواجه شده است، نیازمند موضوع‌شناسی فقهی است؛ ولی موضوع‌شناسی فقهی در موارد مواجهه با موضوعات جدید مرکب (دارای اجزای متعدد و قابل انطباق بر عنوان‌های متعدد) با مشکل مهمی روبرو است؛ زیرا فقیه نمی‌داند با چه عنوان‌های فقهی و با چه تعدادی از آنها مواجه است؛ در نتیجه به شناخت الگوی جامعی نیاز است که بتواند همه ابعاد مؤثر در انطباق عنوان‌های فقهی بر موضوعات را بررسی کند تا بتواند با رعایت آن احکام فقهی موضوع را با توجه به همه جوانب دخیل در حکم آن کشف کند؛ به همین دلیل به پژوهشی نیاز است که چنین الگویی را ارائه دهد. افزون‌براین فایده مهم این الگو، ارائه الگویی برای طراحی نظام مسائل فقهی در مورد موضوعات کلان است.

1. Options.
2. Time sharing.

همچنین در مواردی که فقیه بخواهد حکم فقهی یک موضوع را (اعم از مستحدث و غیرمستحدث) از جمیع جهات دخیل در حکم بررسی کند، به الگوی جامعی نیاز است که همه جنبه‌های دخیل در حکم را در بر گیرد.

تحقیق حاضر ضمن پذیرش الگوی رایج فقیهان در شناخت مصادیق مستحدث برای برخی عنوان‌های فقهی، در پی ارائه الگویی برای موضوع‌شناسی در موضوعات جدیدی است که در مواجهه اولیه معلوم نیست چه موضوعات و احکامی در مورد آنها وجود دارد.

اهمیت تحقیق حاضر در این است که هرگونه استنباط فقهی در موضوعات مستحدثه به تبیین الگوی کاملی برای موضوع‌شناسی وابسته است و با توجه به فراوانی روزافزون موضوع‌های جدید و مطالبه حکم فقهی آنها در میان دینداران و لزوم تعیین وظیفه ملت و حکومت در مواجهه با موضوعات نوپدید ضرورت آن روشن است. هدف پژوهش نیز توانمندسازی فقه در حل مسائل جدید با ارائه الگوی صحیح و جامع در موضوع‌شناسی و جلوگیری از ضعف و انحراف در استنباط حکم مسائل مستحدثه است.

این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی درباره موضوعات جدید و با بهره‌گیری از منابع نقلی و تعبّدی و روش اجتهادی فقهی سامان گرفته است و نوآوری آن، ارائه الگویی جامع در موضوع‌شناسی فقهی و حل مسائل مستحدثه است که برای پژوهشگران عرصه فقه کاربرد دارد.

۱. انواع موضوع‌شناسی فقهی در مسائل مستحدثه

موضوع‌شناسی فقهی نوعی عملیات علمی اکتشافی مبتنی بر دانش فقه است که در آن انطباق موضوع‌های کلی احکام فقهی (مانند عنوان‌های انواع حلال و حرام و انواع نجاست‌ها و انواع معاملات و...) بر مصادیق کلی آنها غیر از مصادیق روشن عرفی و جزئی خارجی بررسی می‌شود؛ اما تطبیق عنوان کلی بر مصادیق روشن عرفی و مصادیق جزئی خارجی، بر عهده شخص مکلف است. فقیه برای

موضوع‌شناسی فقهی در مسائل مستحدثه با توجه به موارد مقتضی دو گونه عمل می‌کند:

۱-۱. تطبیق عنوانی

همواره فقیه پس از اینکه در مرحله حکم‌شناسی، حکم و موضوع آن را از جهت عنوان و مفهوم روشن می‌کند، به مرحله موضوع‌شناسی می‌رسد و با رعایت الگوی تطبیق عنوان کلی موضوع بر مصادیق کلی آن در پی موضوع‌شناسی بر می‌آید. این نوع شناخت موضوع را می‌توانیم تطبیق عنوانی بنامیم؛ زیرا فقیه پس از اینکه حکم و عنوان موضوع کلی را در مرحله حکم‌شناسی معلوم می‌کند، در مرحله موضوع‌شناسی از ابتدا در پی تطبیق کردن عنوان موضوع کلی بر مصادیق است؛ مانند تطبیق عنوان بیع بر بیع زمانی یا مثل عنوان خمر بر فحاح و نبیذ که فقیه گاه با تحلیل مفهومی و گاهی با استناد به برخی روایت‌ها (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، صص ۳۹ و ۴۲۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۱۲۴) در پی اثبات چنین تطبیقی است.

۱-۲. تحلیل موضوعی

گاهی فقیه بدون اینکه در پی تطبیق عنوان خاصی باشد، با موضوعات جدیدی روبرو می‌شود که دارای ترکیب و ساختار پیچیده‌اند؛ به گونه‌ای که احتمال وجود چند عنوان در آن داده می‌شود و معلوم نیست فقیه با چه نوع موضوعی برای احکام فقهی مواجه است؛ در نتیجه شناخت حکم فقهی در این موارد نیازمند شناخت تحلیلی موضوع است؛ به همین دلیل برخی فقیهان گفته‌اند تحلیل موضوع در مسائل مستحدثه از نکات مهم در حل مسئله است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۱).

موضوع‌شناسی در موارد پیش‌گفته، نخست به صورت تحلیل موضوع است؛ زیرا فقیه در مرحله اول در پی تطبیق یک عنوان کلی مشخصی نیست؛ بلکه در پی شناخت موضوع مشخص به منظور شناسایی عنوان‌های فقهی قابل انطباق بر آن است؛ در نتیجه به مطالعه، تجزیه و تحلیل موضوع از جهت عناصر تشکیل‌دهنده و شناخت روابط میان آنها و همه جنبه‌های مؤثر در حکم می‌پردازد و پس از این مرحله می‌تواند عنوان‌های

قابل انطباق را شناسایی کند و با روش تطبیق عنوانی، به شناخت نهایی موضوع و حکم اقدام نماید. در مطالعات موضوع‌شناسی چنین مطالعه‌ای را که ابتدا با تجزیه و تحلیل موضوعات است، می‌توانیم تحلیل موضوعی بنامیم.

۱-۲-۱. الگوی رایج در تحلیل موضوع

با نگاهی به پژوهش‌های فقهی در مورد حل مسائل مستحدثه در می‌یابیم که روش رایج در موضوع‌شناسی فقهی با روش توصیف و تحلیل عناصر تشکیل‌دهنده موضوع برای کشف عنوان فقهی منطبق بر آن صورت گرفته است و این روش با الگوی تک‌وجهی تطبیق عنوانی سازگار است که پیش‌تر گفتیم این الگو برای مواردی است که فقیه در پی شناخت مصادیق عنوان مشخص است.

مشکل اصلی استفاده از روش یادشده در مواردی که فقیه در پی تطبیق عنوان فقهی مشخصی نیست؛ بلکه در پی کشف عنوان‌های فقهی انطباق‌پذیر بر موضوع جدید است، آن است که تأثیر امور دیگری خارج از ذات موضوع مثل آثار و لوازم موضوع در صدق عنوان‌های فقهی بر موضوعات انکارپذیر نیست؛ در نتیجه بسنده کردن به بررسی بخشی از عنوان‌های فقهی و نادیده گرفتن عنوان‌های فقهی دیگر، موجب نقصان در فرایند موضوع‌شناسی است که به انحراف در حکم فقهی منجر می‌شود.

از سوی دیگر بیان حکم فقهی موضوعات جدید با نگاه به برخی جنبه‌های آنها در بیشتر موارد کارایی ندارد؛ برای مثال با بررسی و احراز وجود مالیت برای رمزارزها یا احراز عدم غرر در آنها نمی‌توان به جواز تکلیفی و حلیت وضعی آنها حکم داد؛ زیرا چه بسا از جهات دیگر که خارج از ذات موضوع است، مثل آثار و لوازم یا اهداف طراحان آنها، مصادق عنوان‌های فقهی دیگر باشند؛ پس لازم است از جهات دیگری بررسی شود که دخالت آنها در حکم فقهی امکان دارد.

افزون بر اینکه موضوع جدید با همه ویژگی‌هایش مورد سؤال متشرعان است؛ برای مثال وقتی از ساختن و استفاده از بمب اتم پرسش می‌شود، نمی‌توان به عنوان یک سلاح جنگی و به فرض نابودنکردن حرث و نسل و نداشتن آسیب‌های درازمدت زیستی،

حکم آن را بیان کرد؛ زیرا موضوع مورد نظر هرگز از این ویژگی‌ها جدا نبوده و اگر این مشکلات را نداشته باشد، اساساً جای سؤال نخواهد بود؛ بنابراین در استنباط حکم موضوعات جدید نمی‌توان به بیان حکم آنها با فرض نداشتن برخی ویژگی‌های موجود در آنها پرداخت و لازم است الگویی ارائه شود که با رعایت آن، همه جوانب موضوع بررسی گردد.

۱-۲-۲. الگوی جامع در تحلیل موضوع

الگوی جامعی که برای موضوع‌شناسی در موضوعات جدید و مرکب پیشنهاد می‌شود، بررسی همه ابعاد تأثیرگذار بر تطبیق عنوان‌های فقهی است که در سه جهت انحصار دارد:

- الف) عناصر تشکیل‌دهنده ذات موضوع که شامل اجزا و روابط میان آنها و نوع ترکیب و شکل ظاهری آنها است؛
- ب) اهداف فاعل در ارتباط با موضوع؛
- ج) آثار و ملازمه‌های موضوع.

دلیل اینکه چرا هر کدام از این جهت در حکم فقهی تأثیر دارد، در ادامه و در ذیل بیان هر یک تبیین خواهد شد؛ اما دلیل اینکه چرا غیر از این جهات، امور دیگری بررسی نمی‌شود، یک دلیل استقرایی و یک دلیل عقلی دارد. دلیل استقرایی آن است که در کتاب‌های فقهی هیچ جهت دیگری که خارج از جهات یادشده باشد و در حکم فقهی مؤثر باشد، دیده نمی‌شود و با استقرا در متون فقهی فقیهان مشاهده می‌کنیم که هر کدام از این جهت‌ها از نظر برخی فقیهان و به صورت جداگانه در برخی موارد، در موضوع‌های کهن و جدید مورد توجه فقیهان بوده است که در ادامه موارد آنها بررسی خواهد شد.

شاید گفته شود اگر این جهت‌ها مورد توجه فقیهان بوده است، پس نوآوری این مقاله چیست؟ پاسخ این است که نه همه فقیهان تأثیر همه ابعاد سه‌گانه را در حکم فقهی پذیرفته‌اند و نه هیچ فقهی همه آنها را در یک‌جا به عنوان یک الگوی

موضوع‌شناسی بیان کرده است. بیان عقلی برای انحصار جهات یادشده تقسیم بین نفی و اثبات است؛ به این صورت که امور مربوط به هر پدیده از دو حال خارج نیست: یا داخل موضوع است که اجزا، شکل و ترکیب و روابط آنها را در بر می‌گیرد که همان جهت اول است و یا داخل موضوع نیست که دو حالت دارد: یا غایت پیدایش و کاربست موضوع است که همان جهت دوم است و یا غایت نیست که یا از ملازمه‌ها و آثار دائمی موضوع است که شامل فاعل و شرایط و زمینه‌های پیدایش موضوع و آثار و لوازم دائمی آن می‌شود و یا از ملازمه‌ها و آثار دائمی نیست که لوازم اتفاقی و امور مربوط و همراه موضوع را در بر می‌گیرد. در هر دو صورت، ذیل معنای وسیع آثار و ملازمه‌های موضوع (جهت سوم) قرار می‌گیرد و از جهت تأثیر در حکم موضوع بررسی می‌شود.

نتیجه اینکه با توجه به تقسیم بین نفی و اثبات، عقلی بودن حصر جهات یادشده روشن می‌شود و هیچ جهت دیگری برای بررسی آن در مورد موضوع وجود ندارد تا بگوییم باید در مورد آن بحث کنیم.

۲. تبیین ابعاد الگوی جامع برای موضوع‌شناسی فقهی

پس از تبیین اجمالی ابعاد سه‌گانه برای الگوی جامع، لازم است تأثیر هر کدام از آنها به‌تنهایی در حکم فقهی تبیین شود:

۲-۱. عناصر داخلی موضوع

شناسایی عناصر داخلی موضوع در موضوع‌شناسی فقهی امری مسلم و بی‌نیاز از دلیل است؛ زیرا براساس آنچه که در قاعده تبعیت احکام از عنوان‌ها و اسامی موضوعات بیان شده است، صدق عرفی موضوع، ملاک ثبوت حکم شرعی است (شریف مرتضی، ۱۴۱۷ق، ص ۷۰؛ علامه حلی، ۱۳۸۸ق، ص ۳۶۷؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۱؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۱۶؛ شهید ثانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۸۹). از سوی دیگر از نگاه عرفی، شناخت اجزا و روابط آنها با همدیگر و نوع ترکیب و چینش آنها نقش روشنی در صدق عرفی در هر موضوعی

دارد؛ به همین دلیل فقیهان برای شناخت نوع حیوانی که از حیوان غیرمشابه خود متولد شده است، صدق عرفی را ملاک تعیین وضعیت آن اعلام کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۳۰؛ حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۳۲؛ فقعانی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۵۶؛ شهید ثانی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۴۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۶۴) و بی‌گمان عرف در صدق عرفی به مجموعه اجزا و نوع ترکیب آنها و اوصاف و شباهت ظاهری توجه می‌کند.

بررسی اجزا و شرایط تشکیل‌دهنده موضوع می‌تواند موضوعی را که به ظاهر به شکل یک موضوع است بر چند موضوع مختلف که در فقه اسلامی حکم مشخص دارد، تطبیق کند و بدینسان یک موضوع عرفی به چند موضوع فقهی تکثیر پیدا می‌کند؛ برای مثال سینما یا بازی رایانه‌ای به جهت اجزای مختلف آن می‌تواند بر انواع هنرها و مکاسب انطباق یابد. عطرها و لوازم بهداشتی مصرفی که امروزه از تنوع فراوانی برخوردارند، به جهت ترکیبات فراوان در تولید آنها، مثالی روشن برای موضوع‌های متعدد در قالب یک موضوع‌اند که برای شناخت حکم فقهی آنها چاره‌ای جز شناخت آن اجزا نیست.

افزون بر اجزای موضوع، بررسی روابط میان اجزا برای تعیین ماهیت اصلی موضوع‌های مرکب لازم است؛ زیرا گاهی تنها نوع رابطه میان اجزای یک مجموعه می‌تواند آن را از مجموعه دیگر جدا کند؛ برای مثال اینکه قرارداد مبلغ بیشتر در معامله به عنوان جزئی از عوض است یا به عنوان سود پول است، می‌تواند عنوان قرارداد را تغییر دهد؛ به همین دلیل برخی آن را حرام دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۹۳؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۳۴۱؛ طباطبایی حائری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۳). نیز در وام بانکی (قرض الحسنه) ازدواج، پول اضافی که دریافت می‌شود، در قبال حق الزحمه است، وگرنه ربا خواهد بود.

۲-۲. اهداف موضوع (آثار و لوازم مقصود موضوع)

می‌دانیم که در انجام دادن فعل اختیاری دو نوع قصد وجود دارد: یکی به اقتضای اختیاری بودن فعل است که حتی در افعال بیهوده نیز وجود دارد و دیگری به اقتضای

عقل و حکمت فاعل و غرض او از انجام دادن فعل است. منظور از اهداف در این مبحث، صرف قصد و نیت فعل برای فاعل نیست؛ بلکه شامل مقاصد، اغراض و انگیزه‌های فاعل از انجام دادن فعل است که گاهی از آن با نام علت غائی یاد می‌شود. براساس بررسی فقهی، هدف انسان به دو شکل در موضوع‌های احکام فقهی نمود دارد:

شکل اول: گاهی هدف فاعل، جزئی از موضوع است و تغییر آن موجب تغییر موضوع می‌شود. این نوع هدف در همه عبادت‌ها وجود دارد و زیرعنوان «نیت»، یکی از اجزای عبادت شمرده می‌شود که باید غرض فاعل از انجام دادن فعل عبادی، تقرّب به خداوند متعال و اطاعت کردن از او باشد؛ برای مثال تملیک مال با قصد نگرفتن عوض اگر با غرض تقرّب و امتثال دستور زکات باشد، «صدقه واجبه» است و اگر با هدف تحقیر فقیر باشد، صدقه نیست و صرفاً تملیک است.

نقش هدف در تحقق موضوعات عرفی در غیر عبادت‌ها نیز مشهود است؛ برای مثال در برخی از عرف‌ها برخاستن و کف زدن و یا تکبیر گفتن به هنگام سخنرانی کسی اگر با هدف تأیید باشد، مصداق تأیید و احترام کردن است و اگر به قصد مسخره کردن و اعتراض و توهین باشد، (در صورتی که ظهور عرفی برای تعیین یکی از مفاهیم یادشده وجود نداشته باشد)، مصداق اهانت است و صرف برخاستن بدون قصد احترام یا اهانت در هنگام ورود کسی یا سخن گفتن او، هیچ کدام از احترام یا اهانت کردن محسوب نمی‌شود؛ زیرا در وضع و قرارداد عرفی، فعل برخاستن به عنوان یک جزء برای تحقق فعل احترام یا اهانت است و جزء دیگر آن، انگیزه و قصد فاعل است. اعانه و یاری دادن نیز چنین است.

شکل دوم: گاهی هدف خارج از مفهوم موضوع است؛ مانند تطهیر با آب که به قصد و هدف فاعل در استفاده از آب وابسته نیست؛ به همین دلیل اگر شخصی با بدن منتجس بدون هدف پاک شدن وارد آب جاری شود و اثر نجس از او پاک شود، تطهیر اتفاق می‌افتد و بلکه حتی بدون اختیار هم اگر رخ دهد، همین گونه است؛ مانند خریدن انگور که به قصد معامله بیع است؛ ولی هدف از آن می‌تواند خوردن آن باشد و می‌تواند ساختن شراب یا کالاهای حرام باشد.

تفاوت موضوعی در دو شکل فوق به تفاوت حکمی می‌انجامد. توضیح اینکه در موضوعاتی که هدف، جزئی از مفهوم آنهاست، اگر هدف فاعل (ایجادکننده تا مصرف‌کننده) مشکوک باشد، نمی‌توان بدون مطالعه و احراز وجدانی یا تعبدی هدف، موضوع را احراز کرد؛ در نتیجه نمی‌توان به ثبوت موضوع و حکم فقهی آن نظر داد؛ در حالی که اگر هدف جزو موضوع نباشد، با صرف تحقق فعل، موضوع تحقق یافته و حکم آن ثابت می‌شود.

۱-۲-۲. تأثیر هدف در حکم فقهی موضوعات از نظر فقیهان

در مواردی که هدف فاعل به عنوان جزئی از موضوع است، در تأثیر آن بر حکم فقهی سخنی نیست؛ زیرا جزء موضوع بسان تمام موضوع در حکم فقهی تأثیرگذار است. اما در مواردی که هدف، خارج از مفهوم موضوع است، تأثیر هدف در ارزشگذاری و تعیین حکم اولی موضوعات اگرچه مانند شکل اول نیست، فی‌الجمله در فقه مورد توجه است و با اندکی مطالعه در فقه مذاهب می‌توان دریافت که نقش هدف و قصد فاعل از انجام دادن کار در حکم فقهی فعل مکلف از مسلمات فقه مذاهب اسلامی است؛ برای نمونه در فقه زیدی، امام ابن‌المرتضی در مواردی حکم به حرمت را تابع قصد فاعل دانسته است؛ به این بیان که اگر قصد مخالفت با شرع داشته باشد، عمل او حرام است (ابن‌المرتضی، ۱۲۰۷، ج ۱، ص ۵۳۹؛ ابن‌المرتضی، ۱۲۰۷، ج ۴، ص ۸۲).

در فقه مالکی نیز برخی از جمله حطاب رعینی در مواردی به نقش هدف در حکم فقهی تصریح کرده‌اند؛ برای مثال در مورد حکم ساختن بنا بر روی قبر گفته‌اند تابع قصد فاعل است که اگر قصد فخرفروشی دارد، حرام است و اگر قصد علامت‌گذاری دارد، جایز است (الحطاب‌الرعینی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۶۰).

در فقه حنفی نیز برخی مانند سرخسی تصریح کرده‌اند که راه‌افتادن و حرکت انسان اگر به قصد انجام دادن گناه باشد، خودش گناه است (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۴، ص ۳). در فقه حنبلی هر عملی که به قصد انجام دادن کار حرام باشد، حرام دانسته شده است؛ از قبیل فروختن سلاح جنگی به دشمنان حربی و راهزنان و اهل فتنه (عبدالله ابن

قدمه، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۱۶۸؛ عبدالرحمن بن قدامه، بی تا، ج ۴، ص ۴۱؛ البهوتی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۰۹).
در فقه امامیه نیز در برخی از موارد مکاسب محرمه تصریح شده است که هر کالایی که دارای ویژگی‌های قابل استفاده در امور حرام باشد، اگر در هنگام معامله، کاربرد حرام آن کالا مورد نظر و هدف فروشنده قرار گیرد، آن معامله حرام است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۹۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۳۶۲؛ حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹؛ حلی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۳۰؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۲۲؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۴۱؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۲۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص ۲۰۰؛ بهبهانی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲)؛ همچنین در کتاب‌های اصولی در بحث تجرّی فاعل در مباحث قطع از مباحث حجت در علم اصول به آن اشاره شده است (شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، صص ۴۸ و ۹؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵۹).

۲-۲-۲. تأثیر هدف در حکم فقهی بر اساس کتاب و سنت

برای اثبات تأثیر هدف در ارزشگذاری اعمال انسان، به یک نمونه از آیات قرآن می‌پردازیم.

تأثیر هدف در ارزش عمل به روشنی در آیات ۱۰۷-۱۰۹ از سوره توبه درباره ساخت مسجد ضرار ترسیم شده است. بنابر این آیات، مسجد ضرار با هدف حرام ساخته شد و به همین دلیل به پیامبر دستور داده شد در آن مسجد نماز نخواند، حتی اگر سازندگان آن سوگند یاد کنند که هدفشان نیک بوده است، باز هم دروغ می‌گویند. این بدان معناست که اگر به‌واقع نیز اراده و قصدشان خیر بود، کارشان عملی پذیرفته بود؛ اما چون چنین نبود و هدف ناپاکی داشتند، با وجود اینکه مسجد ساخته‌اند، اما نه تنها کارشان باطل بود و ارزشی ندارد؛ بلکه با توجه به برخورد پیامبر ﷺ چنین مسجدی سزاوار تخریب و سوزاندن است.

از سوی دیگر در ادامه، خداوند متعال با استفهام تقریری اعلام می‌کند که اگر بنیان عمل بر تقوا و رضایت الهی باشد، خیر است و روشن است که بناگذاری بر رضایت الهی جز با هدف قراردادن رضایت الهی نیست و اگر چنین هدفی نباشد، بلکه نقطه

مقابل آن و مقاصد حرام و فتنه باشد، هر عملی حتی اگر ساخت مسجد باشد، نه تنها بی ارزش است؛ بلکه موجب افتادن در آتش جهنم است؛ بنابراین به روشنی می توان دریافت که طبق این آیات ارزش فقهی هر فعل تابع ارزش هدف است.

از میان روایاتها نیز یکی از روایات قابل استناد در اثبات نقش هدف، روایت «انما الاعمال بالنیات» است. این روایت از روایت های بسیار معتبر نزد اهل سنت است (النووی، ۱۳۴۴ق، ج ۱، ص ۱۶) که هم در صحیح بخاری و هم در صحیح مسلم از خلیفه دوم نقل شده و در اثبات و وجوب نیت مورد استناد قرار گرفته است (المزنی، ۱۴۱۰، ص ۲؛ الرافعی، بی تا، ج ۱ ص ۳۱۰؛ النووی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۳۴) و به تصریح فقیهان اهل سنت دلیل اصلی وجوب نیت در عبادت هاست (الانصاری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۳؛ الشربینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۳؛ الشربینی، ۱۳۷۷ق، ج ۱، ص ۴۷؛ الملیاری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۸). این روایت به روشنی قابلیت اثبات نقش هدف فاعل در حکم فقهی فعل مکلف را دارد.

حدیث یادشده با ذکر سند از طریق امامیه از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است (عریضی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۴۶؛ مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۵۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۱۸) و در بیشتر موارد به صورت مرسل از پیامبر نقل شده است (مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۴؛ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۶۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۸۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸۶).

این حدیث از جهت اعتبار جای تردید ندارد؛ زیرا هم نزد اهل سنت از سند بسیار معتبری برخوردار است و هم از طریق امامیه با توجه به استناد فراوان فقیهان بزرگ این حدیث دارای شهرت عملی آشکاری است که موجب جبران ضعف سندی آن است.^۱

۱. فقیهان زیر به این حدیث، استناد کرده اند: مغربی، بی تا، ج ۱، ص ۸۵؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۸؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۰۳؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۷۲؛ طبرسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۰۱؛ راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۰؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۲؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۶۹ق، ج ۲، ص ۱۶۱؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۴۳؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۱۸؛ محقق حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۷۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۹۰؛ سبزواری، ۱۴۲۱ق، ص ۳۴؛ علامه حلی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۰۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۳۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۷۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۴۵.

در توضیح دلالت حدیث باید گفت این روایت هم در نقل اهل سنت و هم نزد شیعه به جهت قرینه‌های داخلی آن تنها به نیت عنوان فعل مربوط نیست؛ بلکه به مقصود فاعل و هدف او از عمل نیز مربوط است که شامل نیت اطاعت و تقرب هم می‌شود. متن حدیث در نقل اهل سنت در مورد اهداف هجرت و در نقل امامیه به شرکت در جهاد به منظور دستیابی به غنایم مربوط است و به یقین این منظور غیر از نیت خود عمل است و هدف و غرض فاعل را بیان می‌کند و چون پیامبر از وجود این هدف در میان برخی از مسلمانان آگاه شد، آن سخن شریف را فرمود.

فقیهان نیز در ابواب مختلف فقهی قصد حرام را موجب حکم به حرمت دانسته‌اند و در بیع و مکاسب، مقاصدی مثل تولید شراب، ساختن بت و صلیب، آلات لهو، آلات قمار و... را موجب حکم به حرمت معامله دانسته‌اند (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۳۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۳۹؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۶۶؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۲۵؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۰۹؛ یزدی طباطبایی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۷؛ موسوی قزوینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۳۶؛ خویی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۴۷؛ خمینی، ۱۳۹۲ق، ج ۱، ص ۱۵۹). جمع‌بندی این فتاوا آن است نقش هدف و مقاصد افراد در تغییر حکم فقهی فعل مکلف مورد قبول فقیهان است و برخی فقیهان که عبارت «النية مغیرة» را به کار برده‌اند (ابن‌المرتضی، ۱۲۰۷ق، ج ۱، ص ۲۲۸؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱۵)، منظورشان همین است.

در استفاده از ادله یادشده برای اثبات نقش هدف در حکم موضوعات جدید توجه به چند نکته لازم است:

اولاً، در مورد برخی از موضوع‌های نوپدید که پیدایش آنها با هدف خاصی آمیخته است، نمی‌توان هدف را از حکم اولی آنها جدا کرد؛ زیرا در این صورت موضوع دیگری خواهد شد که در حال حاضر مورد نظر نیست و چه بسا وجود خارجی هم نداشته باشد.

ثانیاً نباید بحث تأثیر هدف حرام در حکم کار غیرحرام را با بحث تأثیر قصد انجام دادن حرام در حکم عمل غیرحرام یکی دانست (برای مثال ظرف شربت را به اشتباه

شراب دانسته و به قصد خوردن شراب آن را خورده است که این بحث با عنوان تجری در کتاب‌های اصولی مطرح شده است). این دو بحث با هم تفاوت دارند؛ زیرا پیش‌تر گفتیم که قصد انجام دادن فعل با غرض از انجام دادن فعل فرق می‌کند؛ پس نمی‌توان از حکم تجری حکم غرض انجام دادن فعل را کشف کرد.

۲-۲-۲. تأثیر هدف فعل در ارزش‌گذاری آن از منظر عقل

در مواردی که فعل انسان فاقد حسن و قبح ذاتی است و حسن و قبح اقتضایی یا اعتباری دارد، حسن و قبح فعل به اعتبار غرض فاعل تعیین می‌شود و به بیان دیگر حسن و قبح فاعلی به فعل سرایت می‌کند؛ به همین دلیل حسن و قبح فاعلی در مواردی که فاعل به انجام دادن فعل دست بزند و قصد خود را با اقدام عملی اظهار کند، تأثیر روشنی در مدح و ملامت عقلا در مورد انجام دادن فعل دارد؛ مانند نیکوبودن دروغ گفتن برای ایجاد صلح و سازش میان دو برادر (کذب نافع) یا زشتی راست گفتن به منظور ایجاد تفرقه (صدق ضار) و ...

با توجه به استناد به مذمت عقلایی برای اثبات تأثیر هدف، اگر گفته شود که این مذمت و ملامت نه به دلیل انجام دادن فعل با غرض ناپسند است؛ بلکه به خاطر آشکار شدن پلیدی باطن در فاعل است، باید گفت اولاً، این سخن با وجدان عرفی ناسازگار است؛ زیرا عرف عاقلان به طور کلی کارهایی مانند راست گفتن جنگ‌افروز را زشت می‌انگارند و این فارغ از قضاوت در مورد فاعل است؛ از این رو به محض اینکه از هر فرد عاقلی پرسیده شود راست گفتن اگر موجب جنگ میان دو قوم و قبیله شود چگونه است؟ آن را زشت می‌شمارد و ملامت فاعل آن نیز به جهت انجام دادن چنین عمل زشتی است.

شاید به نظر برسد همین که کسی پس از اینکه به منظور ایجاد تفرقه به انتشار فیلم و راست‌گویی تفرقه‌افکنانه دست زد، ولی هیچ تأثیری نداشت، عرف عاقلان انتشار آن فیلم را ناپسند نمی‌دانند. همین نشانه‌ای بر تأثیر نداشتن غرض فاعل در ارزش‌گذاری فعل است؛ اما این سخن درست نیست؛ زیرا همین که می‌بینیم چنین کاری تأثیری نداشته،

بی‌گمان آن کار قابلیت تحقق غرض را نداشته است و اکنون که معلوم شده است چنین قابلیت ندارد، نمی‌تواند مورد غرض مذکور باشد؛ مگر به صورت توهمی و غرض توهمی تأثیری ندارد. دغدغه اصلی در تأثیر هدف آن است که چگونه هدف فاعل از انجام دادن فعل مباح می‌تواند حکم فقهی آن فعل را تغییر دهد؛ درحالی که هدف خارج از موضوع است؟ برای مثال وقتی کسی انگور می‌خرد و غرض او از خرید آن ساختن نوشیدنی حرام با انگور است، آیا خریدن انگور هم حرام می‌شود؟

در پاسخ باید گفت حسن و قبح اعتباری اشاره دارد به اینکه در نگاه عقل و عرف کارهایی که از جهت رفتاری و شکل ظاهری شبیه هم‌اند و کاربرد متضاد دارند، تنها با غرض افراد از آنها عنوان خاص می‌گیرند و ارزشگذاری می‌شوند؛ برای مثال گذاشتن سنگ در جوی آب اگر به غرض یاری عابران برای عبور از جوی آب باشد، عنوان احسان دارد و همین کار اگر به غرض جلوگیری از رفتن آب یا انحراف آن باشد، عنوان دیگری خواهد داشت و هر دو براساس غرض فاعل تعیین و ارزشگذاری می‌شود. توجه به این نکته لازم است که تأثیر غرض فاعل در تعیین حکم فعل، تنها در مواردی است که فعل مورد نظر قابلیت نیل به غرض را داشته باشد؛ برای مثال خریدن غوره (انگور نارس) که چیده شده باشد، به غرض ساختن شراب نمی‌تواند تأثیری در حکم خریدن داشته باشد؛ همین‌طور اگر برای غرض پیش‌گفته قصد خرید انگور را داشت، ولی بعدها معلوم شود غوره خریده است، این فعل چون با آن غرض مورد نظر تناسبی ندارد و غرض یادشده یا جدی نیست؛ مثل فرض اول و یا توهمی است؛ مثل فرض دوم. با اینکه فرض دوم از مصادیق تجری است، ولی از مصادیق تأثیر هدف نیست؛ به‌ویژه آنچه را که می‌خواست بخرد نخریده است.

۲-۳. آثار و ملازمه‌های موضوع

می‌دانیم که برخی از عنوان‌های فقهی که بر موضوعات منطبق می‌شوند، به اعتبار آثار و ملزومات و لوازم موضوعات است؛ به همین دلیل در مورد موضوع‌هایی که عنوان آنها در ادله احکام نیامده است، برای یافتن عنوان‌هایی که از جهت آثار و لوازم

بر این موضوعات قابل انطباق‌اند، باید همه ملازمه‌های آنها از قبیل شرایط پیدایش و آثار و لوازم متعارف آنها شناخته شوند. با وجود اینکه در منابع فقهی به طور مستقل بحث از آثار نشده است، در برخی موارد از قواعد اصولی در مباحث غیرمستقلات عقلی مانند بحث ضد و مقدمه واجب و... و برخی قواعد فقهی همچون قاعده «لاضرر» و قاعده «سبب الحرام حرام» (نراقی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۲۷؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۰۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۱۴؛ آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۱) و «مستلزم الحرام حرام» (عاملی، محمد، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۰۷). ابواب مختلف فقه به تناسب بحث‌هایی از نقش آثار در حکم فقهی مطرح شده است و فی‌الجمله براساس قواعد فقهی و اصولی، تأثیر آثار در حکم فقهی موضوعات تردید‌پذیر نیست.

نتیجه‌گیری

۱. موضوع‌شناسی فقهی گاهی به صورت تطبیق عنوانی است و آن در مواردی است که فقیه در پی شناخت مصادیق عنوان فقهی مشخصی است. گاهی نیز به صورت تحلیل موضوع است و آن در مواردی است که فقیه با موضوعات جدید مرکب مثل هنر سینما، بانک، بیمه و... مواجه شده و می‌خواهد با تحلیل موضوع در یابد که چه عنوان‌های فقهی بر آنها انطباق‌پذیر است.
۲. استفاده از تطبیق عنوان مشخص در مورد موضوع جدید مرکب، تنها می‌تواند حکم فقهی آن را از یک جهت معلوم کند و نمی‌تواند به عنوان حکم نهایی آن موضوع باشد.
۳. با توجه به دخالت جهات دیگر در حکم فقهی، لازم است برای موضوع‌شناسی در موضوعات جدید مرکب الگوی جامعی طراحی شود که طی آن همه ابعاد تأثیرگذار در حکم فقهی شناسایی شده و وجود آنها در آن موضوع‌ها بررسی شود؛ زیرا تنها در این صورت است که می‌توان ادعا کرد همه جوانب موضوع برای حکم فقهی در نظر گرفته شده است.
۴. الگوی جامع یادشده ضمن اینکه الگویی برای موضوع‌شناسی در مواجهه با

موضوعات جدید مرکب است، الگویی برای طراحی نظام مسائل فقهی در مورد موضوعات کلان فقهی است.

۵. الگوی جامع به مسائل مستحدثه اختصاصی ندارد و در هر موضوعی که فقیه بخواهد به طور جامع مسائل فقهی آن را شناسایی کند، قابل عمل است.

۶. با توجه به ادله عقلی و نقلی، ابعاد تأثیرگذار در حکم فقهی در سه جهت انحصار دارد: ذات موضوع، اهداف فاعل، آثار و ملازمه‌های موضوع. در نتیجه برای تعیین حکم فقهی موضوعات جدید باید انطباق عنوان‌های فقهی مربوط به همه جهات سه‌گانه بر موضوع جدید بررسی شود و به اقتضای نتیجه آن، حکم فقهی موضوع جدید استنباط گردد.

پیشنهاد تحقیق

با توجه به ظهور موضوع‌های کلان مانند هوش مصنوعی، فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، بورس و هزاران موضوع جدید دیگر و نیاز به طراحی نظام مسائل فقهی، در مورد این موضوع‌ها پیشنهاد می‌شود: موضوع‌شناسی فقهی و الگوهای کارآمد آن به عنوان موضوع درسی در رشته‌های فقه قرار داده شود.

کمیته‌های فقهی مربوط به هر کدام از موضوعات، نظام مسائل فقهی مربوط به آن موضوع را براساس الگوی جامع موضوع‌شناسی طراحی کنند تا فقه‌پژوهان با آشنایی از مسائل پژوهشی به حل مسائل مربوطه روی آورند.

فهرست منابع

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین. (۱۴۱۳ق). اللغات النيرة في شرح تكملة التبصرة (ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ق). کفایة الاصول (چاپ اول). قم: موسسة آل البيت عليه السلام.
۳. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۲۹ق). أجوبة مسائل و رسائل في مختلف فنون المعرفة (چاپ اول). قم: انتشارات دليل ما.
۴. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى (ج ۱، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. ابن المرتضى، احمد. (۱۲۰۷م). شرح متن الازهار (ج ۱ و ۴). مؤسسه الامام زيد بن علی.
۶. ابن زهره حلبی، حمزة بن علی حسینی. (۱۴۱۷ق). غنية النزوع إلى علمی الأصول والفروع (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، رشید الدین محمد بن علی. (۱۳۶۹ق). متشابه القرآن ومختلفه (ج ۲، چاپ اول). قم: دار الیهدار للنشر.
۸. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان (ج ۸، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. الأنصاری، زکریا. (۱۴۱۸ق). فتح الوهاب (ج ۱، چاپ اول). بیروت: منشورات محمد علی بیضون، دار الکتب العلمیه.
۱۰. البهوتی، منصور بن یونس. (۱۴۱۸ق). کشاف القناع. (ج ۳، چاپ اول). بیروت: منشورات محمد علی بیضون-دار الکتب العلمیه.
۱۱. الحطاب الرعینی. (۱۴۱۶ق). مواهب الجلیل (ج ۳، چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۲. الرافعی، عبد الکریم. (بی تا). فتح العزیز بشرح الوجیز (ج ۱) = الشرح الکبیر للرافعی. بیروت: دار الفکر.

١٣. الشربيني، محمد بن أحمد. (١٣٧٧ق). مغنى المحتاج (ج ١). بيروت: دار إحياء التراث العربى.
١٤. الشربيني، محمد بن أحمد. (بى تا). الإقناع فى حل ألفاظ أبى شجاع (ج ١). بيروت: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع.
١٥. المزنى ابوابراهيم، إسماعيل. (١٤١٠ق). مختصر المزنى. بيروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
١٦. المليارى الهندى. (١٤١٨ق). فتح المعين (ج ١، چاپ اول). بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
١٧. النووى، محبى الدين. (١٤١٢ق). روضة الطالبين (ج ٢). بيروت: دارالكتب العلميه.
١٨. النووى، محبى الدين. (١٣٤٤ق). المجموع. بيروت: دار الفكر.
١٩. بحراني، آل عصفور، يوسف بن احمد بن ابراهيم. (١٤٠٥ق). الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة (ج ١٨، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢٠. بهبهانى، محمد باقر بن محمد اكمل. (١٤١٧ق). حاشية مجمع الفائدة والبرهان (چاپ اول). قم: مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهاني.
٢١. حسيني مراغى، عبد الفتاح. (١٤١٧ق). العناوين الفقهية (ج ١، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢٢. حلى، شمس الدين محمد بن شجاع القطان. (١٤٢٤ق). معالم الدين فى فقه آل ياسين (ج ١، چاپ اول). قم: مؤسسة امام صادق عليه السلام.
٢٣. حلى، مقداد بن عبد الله سيورى. (١٤٠٤ق). التنقيح الرائع لمختصر الشرائع (ج ١ و ٢، چاپ اول). قم: انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى.
٢٤. خمينى، روح الله. (١٣٩٢). المكاسب المحرمة (ج ١، چاپ چهارم). تهران: مؤسسة تنظيم و نشر آثار الإمام الخميني عليه السلام.
٢٥. خويى، سيد ابوالقاسم. (١٤٢٦ق). مصباح الفقاهة (المكاسب) (ج ١، چاپ اول). قم: مؤسسة إحياء آثار الأمام الخويى.

۲۶. راوندی، قطب‌الدین، سعید بن عبدالله. (۱۴۰۵ق). فقه القرآن (ج ۱، چاپ دوم). قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه.
۲۷. سبزواری، علی مؤمن قمی. (۱۴۲۱ق). جامع الخلاف والوفاق (چاپ اول). قم: زمینه سازان ظهور امام عصر علیه السلام.
۲۸. سرخسی، محمد بن احمد. (۱۴۱۴ق). المبسوط (ج ۲۴). بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع.
۲۹. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی. (۱۴۱۵ق). الانتصار فی انفرادات الإمامیه (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی. (۱۴۱۷ق). المسائل الناصریات (چاپ اول). تهران: رابطه الثقافة و العلاقات الإسلامية.
۳۱. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعية فی فقه الإمامیه (ج ۳، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۲ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (ج ۱، چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام (ج ۱ و ۳، چاپ اول). قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
۳۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۲۱ق). رسائل الشهد الثاني (ج ۱، چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۲۲ق). حاشیه المختصر النافع (چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۲۲ق). حاشیه شرائع الإسلام (چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۷. شیخ انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب (ط - الحدیثه) (ج ۱، چاپ اول). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

۳۸. شیخ انصاری، مرتضی. (۱۴۲۸ق). فرائد الاصول (ج ۱، چاپ نهم). قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۳۹. شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف (ج ۹، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۰. شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام (ج ۱، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۱. شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الأمالی (چاپ اول). قم: دار الثقافة.
۴۲. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی. (۱۴۱۳ق). المسائل الصاغانیة (چاپ اول). قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمته الله.
۴۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی. (۱۴۱۸ق). الهدایة فی الأصول والفروع (چاپ اول). قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۴۴. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد. (۱۴۰۹ق). الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع (ج ۲، چاپ اول). قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی رحمته الله.
۴۵. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل (ج ۸، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۶. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۱ق). حاشیه المکاسب (ج ۱، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۷. طبرسی، امین الإسلام، فضل بن حسن. (۱۴۱۰ق). المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف (ج ۱، چاپ اول). مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
۴۸. عاملی، محمد بن علی موسوی. (۱۴۱۱ق). مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام (چاپ اول). بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۹. عبد الرحمن بن قدامه. (بی تا). الشرح الكبير (ج ۴). بیروت: دار الكتاب العربی للنشر والتوزیع.
۵۰. عبدالله بن قدامه. (۱۳۸۸ق). المغنی (ج ۴). مصر: مكتبة القاهرة.
۵۱. عریضی، علی بن جعفر. (۱۴۰۹ق). مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۵۲. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۵۳. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۳۸۸ق). تذکرة الفقهاء (ط - القديمة) (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵۴. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۰۱ق). أجوبة المسائل المهنائية (چاپ اول). قم: چاپخانه خیام.
۵۵. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۱ق). تبصرة المتعلمين في أحكام الدين (چاپ اول). تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۶. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب في تحقيق المذهب، فقه امامیه (ج ۱۵، چاپ اول). مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۵۷. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۳ق). مختلف الشيعة في أحكام الشريعة (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۸. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء (ط - الحديثة) (ج ۱ و ۱۲، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵۹. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۹ق). نهاية الإحكام في معرفة الأحكام (ج ۱، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۶۰. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی. (۱۴۱۷ق). كشف الرموز في شرح مختصر النافع (ج ۱، چاپ سوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۱. فخر المحققین حلّی، محمد بن حسن بن یوسف. (۱۳۸۷ق). إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد (ج ۱، چاپ اول). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۶۲. فقحانی، علی بن علی بن محمد بن طی. (۱۴۱۸ق). الدر المنضود في معرفة صيغ النيات والإيقاعات والعقود (چاپ اول). قم: مكتبة إمام العصر علیه السلام العلمية.
۶۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). کافی (ط - الإسلامية) (ج ۶، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامية.

۶۴. محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ق). المعبر فی شرح المختصر (ج ۱، چاپ اول). قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
۶۵. محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام (ج ۱ و ۲، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۶۶. محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن. (۱۴۱۳ق). الرسائل التسع (چاپ اول). قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی علیه السلام.
۶۷. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن. (۱۴۲۳ق). کفایة الأحکام (ج ۱، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۸. محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد (ج ۱ و ۴، چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۶۹. مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی. (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام (ج ۱، چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۷۰. مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی. (بی تا). تأویل الدعائم (ج ۱، چاپ اول). مصر: دارالمعارف قاهره.
۷۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۴ق). کتاب النکاح (ج ۱ و ۲، چاپ اول). قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۷۲. موسوی قزوینی، علی. (۱۴۲۴ق). ینایع الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام (ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷۳. نجفی، محمدحسن (صاحب الجواهر). (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (ج ۲۲، چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۷۴. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ق). مستند الشیعة فی احکام الشریعه (ج ۵، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۷۵. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۲۲ق). رسائل و مسائل (ج ۱، چاپ اول). قم: کنگره نراقیین ملامهدی و ملااحمد.

References

1. Abdul Rahman ibn Qudamah. (n.d.). *Al-Sharh al-Kabir* (Vol. 4). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi lil-Nashr wa al-Tawzi'.
2. Abdullah ibn Qudamah. (1968). *Al-Mughni* (Vol. 4). Egypt: Cairo Library. [In Arabic].
3. Akhund Khorasani, M. K. (1989). *Kifayat al-Usul* (1st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Persian].
4. Akhund Khorasani, M. K. (1993). *Al-Luma'at al-Nayyirah fi Sharh Takmilat al-Tabsirah* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian].
5. Al-Ansari, Z. (1997). *Fath al-Wahhab* (Vol. 1, 1st ed.). Beirut: Muhammad Ali Baydoun Publications, Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic].
6. Al-Buhuti, M. (1997). *Kashshaf al-Qina'* (Vol. 3, 1st ed.). Beirut: Muhammad Ali Baydoun Publications, Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic].
7. Al-Hattab al-Ra'ini. (1996). *Mawahib al-Jalil* (Vol. 3, 1st ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic].
8. Allamah Helli, H. (1968). *Tadhkirat al-Fuqaha* (Old Edition, 1st ed.). Qom: Institute of Al al-Bayt. [In Arabic].
9. Allamah Helli, H. (1981). *Ajwibat al-Masa'il al-Muhanna'iyah* (1st ed.). Qom: Khayyam Printing House. [In Arabic].
10. Allamah Helli, H. (1991). *Tabsirat al-Muta'allimin fi Ahkam al-Din* (1st ed.). Tehran: Printing and Publishing Institute affiliated with the Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic].
11. Allamah Helli, H. (1992). *Muntaha al-Matalib fi Tahqiq al-Madhab, Fiqh Imamiyyah* (Vol. 15, 1st ed.). Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Arabic].
12. Allamah Helli, H. (1992). *Qawa'id al-Ahkam* (1st ed.). Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic].

13. Allamah Helli, H. (1993). *Mukhtalif al-Shi'ah fi Ahkam al-Shari'ah* (2nd ed.). Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic].
14. Allamah Helli, H. (1994). *Tadhkirat al-Fuqaha* (New Edition, Vols. 1 & 12, 1st ed.). Qom: Institute of Al al-Bayt. [In Arabic].
15. Allamah Helli, H. (1998). *Nihayat al-Ihkam fi Ma'rifat al-Ahkam* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Institute of Al al-Bayt. [In Arabic].
16. Al-Malibari al-Hindi. (1997). *Fath al-Mu'in* (Vol. 1, 1st ed.). Beirut: Dar al-Fikr lil-Tiba'a wa al-Nashr wa al-Tawzi'. [In Arabic].
17. Al-Muzani, A. (1989). *Mukhtasar al-Muzani*. Beirut: Dar al-Ma'rifah lil-Tiba'a wa al-Nashr. [In Arabic].
18. Al-Nawawi, M. (1925). *Al-Majmu'*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
19. Al-Nawawi, M. (1992). *Rawdat al-Talibin* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic].
20. Al-Rafi'i, A. (n.d.). *Fath al-Aziz bi-Sharh al-Wajiz (Al-Sharh al-Kabir lil-Rafi'i)* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Fikr.
21. Al-Shirbini, M. (1957). *Mughni al-Muhtaj* (Vol. 1). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
22. Al-Shirbini, M. (n.d.). *Al-Iqna' fi Hall Alfaz Abi Shuja'* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ma'rifah lil-Tiba'a wa al-Nashr wa al-Tawzi'.
23. Ameli, M. (1990). *Madarik al-Ahkam fi Sharh Ibadat Sharayi' al-Islam* (1st ed.). Beirut: Institute of Al al-Bayt. [In Arabic].
24. Ardabili, A. (1983). *Majma' al-Fa'idah wa al-Burhan fi Sharh Irshad al-Adhhan* (Vol. 8, 1st ed.). Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian].
25. Arizi, A. (1988). *Masa'il Ali ibn Ja'far wa Mustadrakat'ha* (1st ed.). Qom: Institute of Al al-Bayt. [In Arabic].
26. Bahrani, A. Y. (1985). *Al-Hada'iq al-Nadhira fi Ahkam al-'Itrah al-Tahira* (Vol. 18, 1st ed.). Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian].

27. Behbahani, M. (1996). *Hashiyat Majma' al-Fa'idah wa al-Burhan* (1st ed.). Qom: Alama al-Mujaddid al-Wahid al-Behbahani Institute. [In Persian].
28. Fadil Abi, H. (1997). *Kashf al-Rumuz fi Sharh Mukhtasar al-Nafi'* (Vol. 1, 3rd ed.). Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic].
29. Fakhr al-Muhaqqiqin Helli, M. (1967). *Idah al-Fawa'id fi Sharh Mushkilat al-Qawa'id* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Isma'iliyan Institute. [In Arabic].
30. Fuqani, A. (1997). *Al-Durr al-Manzud fi Ma'rifat Sigh al-Niyyat wa al-Iyqat wa al-Uqud* (1st ed.). Qom: Imam al-Asr Library. [In Arabic].
31. Helli, M. (1984). *Al-Tanqih al-Rai' li-Mukhtasar al-Shara'i* (Vols. 1 & 2, 1st ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. [In Persian].
32. Helli, Sh. (2003). *Ma'alim al-Din fi Fiqh Al Yasin* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian].
33. Hosseini Maraghi, A. (1996). *Al-'Anawin al-Fiqhiyya* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian].
34. Ibn al-Murtada, A. (1207). *Sharh Matn al-Azhar* (Vols. 1 & 4). Imam Zaid bin Ali Institute. [In Arabic].
35. Ibn Idris Helli, M. (1989). *Al-Sara'ir al-Hawi li-Tahrir al-Fatawa* (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian].
36. Ibn Idris Helli, M. (2008). *Ajwibat Masa'il wa Rasa'il fi Mukhtalif Funun al-Ma'rifah* (1st ed.). Qom: Dalil Ma Publications. [In Persian].
37. Ibn Shahr Ashub Mazandarani, R. (1949). *Mutashabih al-Quran wa Mukhtalifuh* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Dar al-Bidar lil-Nashr. [In Arabic].
38. Ibn Zuhrah Halabi, H. (1996). *Ghuniyat al-Nuzuu' ila 'Ilmiy al-Usul wa al-Furu'* (1st ed.). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian].
39. Khoei, S. A. (2005). *Misbah al-Fiqahah (Al-Makasib)* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Institute for the Revival of Imam Khoei's Works. [In Persian].

40. Khomeini, R. (1971). *Al-Makasib al-Muharramah* (Vol. 1, 4th ed.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian].
41. Kulayni, M. (1987). *Al-Kafi* (Vol. 6, 4th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic].
42. Maghribi, A. (n.d.). *Ta'wil al-Da'a'im* (Vol. 1, 1st ed.). Egypt: Dar al-Ma'arif Cairo. [In Arabic].
43. Maghribi, Abu. (1965). *Da'a'im al-Islam* (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Institute of Al al-Bayt. [In Arabic].
44. Makarem Shirazi, N. (2003). *Kitab al-Nikah* (Vols. 1 & 2, 1st ed.). Qom: Publications of Imam Ali ibn Abi Talib School. [In Arabic].
45. Mousavi Qazwini, A. (2003). *Yanabi' al-Ahkam fi Ma'rifat al-Halal wal-Haram* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic].
46. Muhaqqiq Helli, N. (1987). *Al-Mu'tabar fi Sharh al-Mukhtasar* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Institute of Sayyid al-Shuhada. [In Arabic].
47. Muhaqqiq Helli, N. (1988). *Sharayi' al-Islam fi Masa'il al-Halal wal-Haram* (Vols. 1 & 2, 2nd ed.). Qom: Isma'iliyan Institute. [In Persian].
48. Muhaqqiq Helli, N. (1993). *Al-Rasa'il al-Tis'ah* (1st ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. [In Arabic].
49. Muhaqqiq Karaki, A. (1993). *Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id* (Vols. 1 & 4, 2nd ed.). Qom: Institute of Al al-Bayt. [In Arabic].
50. Muhaqqiq Sabzevari, M. (2002). *Kifayat al-Ahkam* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic].
51. Najafi, M. H. (Sahib al-Jawahir). (1983). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharayi' al-Islam* (Vol. 22, 7th ed.). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
52. Naraghi, M. (2001). *Rasa'il wa Masa'il* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Congress of Naraghi Scholars, Mulla Mahdi and Mulla Ahmad. [In Arabic].

53. Naraghi, M. A. (1994). *Mustanad al-Shi'ah fi Ahkam al-Shari'ah* (Vol. 5, 1st ed.). Qom: Institute of Al al-Bayt. [In Arabic].
54. Rawandi, Q. (1985). *Fiqh al-Qur'an* (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. [In Persian].
55. Sabzavari, A. (2000). *Jami' al-Khilaf wal-Wifaq* (1st ed.). Qom: Zamin-e-Sazan Zohour Imam Asr. [In Persian].
56. Saduq, M. (1997). *Al-Hidayah fi al-Usul wa al-Furu'* (1st ed.). Qom: Imam Hadi Institute. [In Arabic].
57. Sarakhsi, M. (1993). *Al-Mabsut* (Vol. 24). Beirut: Dar al-Ma'rifah lil-Tiba'ah wa al-Nashr wa al-Tawzi'. [In Arabic].
58. Shahid Awwal, M. (1996). *Al-Durus al-Shar'iyyah fi Fiqh al-Imamiyyah* (Vol. 3, 2nd ed.). Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian].
59. Shahid Thani, Z. (1992). *Al-Rawdah al-Bahiyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Arabic].
60. Shahid Thani, Z. (1993). *Masalik al-Afham ila Tanqih Sharayi' al-Islam* (Vols. 1 & 3, 1st ed.). Qom: Islamic Knowledge Institute. [In Persian].
61. Shahid Thani, Z. (2001). *Rasa'il al-Shahid al-Thani* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Persian].
62. Shahid Thani, Z. (2002). *Hashiyat al-Mukhtasar al-Nafi'* (1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Persian].
63. Shahid Thani, Z. (2002). *Hashiyat Sharayi' al-Islam* (1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Persian].
64. Sharif Mortaza, A. (1994). *Al-Intisar fi Infiradat al-Imamiyyah* (1st ed.). Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian].
65. Sharif Mortaza, A. (1996). *Al-Masa'il al-Nasiriyyat* (1st ed.). Tehran: Association of Islamic Culture and Relations. [In Persian].

66. Sheikh Ansari, M. (1994). *Kitab al-Makasib (Al-Hadithah)* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: World Congress for Commemoration of Sheikh al-A'zam Ansari. [In Persian].
67. Sheikh Ansari, M. (2007). *Fara'id al-Usul* (Vol. 1, 9th ed.). Qom: Islamic Thought Assembly. [In Persian].
68. Sheikh Mufid, M. (1993). *Al-Masa'il al-Saghaniyyah* (1st ed.). Qom: World Congress for the Millennium of Sheikh Mufid. [In Arabic].
69. Sheikh Tusi, A. M. (1987). *Al-Khilaf* (Vol. 9, 1st ed.). Qom: Islamic Publishing House affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian].
70. Sheikh Tusi, A. M. (1987). *Tahdhib al-Ahkam* (Vol. 1, 4th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic].
71. Sheikh Tusi, A. M. (1994). *Al-Amali* (1st ed.). Qom: Dar al-Thaqafah. [In Arabic].
72. Tabarsi, A. (1989). *Al-Mu'talaf min al-Mukhtalaf Bayna A'immah al-Salaf* (Vol. 1, 1st ed.). Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Arabic].
73. Tabataba'i Ha'iri, S. A. (1988). *Al-Sharh al-Saghir fi Sharh Mukhtasar al-Nafi'* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. [In Arabic].
74. Tabataba'i Ha'iri, S. A. (1997). *Riyad al-Masa'il* (Vol. 8, 1st ed.). Qom: Institute of Al al-Bayt. [In Arabic].
75. Tabataba'i Yazdi, S. M. K. (2000). *Hashiyat al-Makasib* (Vol. 1, 2nd ed.). Qom: Isma'iliyan Institute. [In Arabic].